

مسیحیت و روابط جنسی

روبرت آسیریان

عصر ما، عصر تحولات و تغییراتی می‌باشد که با ضرباهنگی گیج کننده همه ارکان بنیادین حیات فردی و اجتماعی ما را دگرگون می‌سازند. هیچ بعد و ساحتی از حیات فردی و اجتماعی را نمی‌توان یافت که دستخوش تغییرات بنیادین نباشد و در واقع یکی از ویژگی‌های اساسی عصر ما، تغییر و دگرگونی می‌باشد. انسان اندیشه‌ورز عصر مدرنیته به نواندیشی و بازنگری در اخلاقیات سنتی جامعه خود نیز می‌پردازد و سعی دارد مقولات و مفاهیم گوناگون اخلاقی را از نو تعریف کند و معیارهایی نوین برای رفتارهای انسانی ارائه دهد. یکی از قلمروهای اخلاقی و رفتاری که انسان معاصر در آن تغییرات و دگرگونی‌های اساسی بوجود آورده، قلمرو و ساحت اخلاقیات جنسی می‌باشد.

همگام با تغییر و تحولات عمیق علمی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی اخلاقیات جنسی انسان معاصر نیز دچار تغییرات و دگرگونی‌های اساسی شده است و انسان معاصر در این زمینه نیز تغییرات بنیادینی را بوجود آورده است و بنیادهای نوینی برای اخلاقیات جنسی خویش پی‌افکنده است. قصد ما در این نوشتار شرح و بررسی اخلاقیات جنسی انسان معاصر و فرآیند پدیدآیی و تحول این اخلاقیات نیست، اما می‌خواهیم نگرشی اجمالی بر تأثیر این اخلاقیات بر کلیسا داشته باشیم.

مسیحیت از بدو پیدایش خویش و رشد و توسعه سریع در سرزمین‌ها و فرهنگهای گوناگون، تأثیرات عمیق و انکارناپذیری بر فرهنگها و تمدنهای مختلف و بر اخلاقیات و نحوه زندگی آنان بر جای گذاشت و اخلاقیات جنسی یکی از قلمروهایی بوده است که تأثیر و نفوذ مسیحیت را می‌توان بر آن بروشنی مشاهده نمود. تثبیت خانواده تک‌همسری و مشروعیت بخشیدن رابطه جنسی فقط در چارچوب روابط زناشویی از مهم‌ترین دستاوردهای مسیحیت و از ماندگارترین تأثیرات آن بر اخلاقیات جنسی جوامع مختلف بوده است. مسیحیان از بدو ورود خود به جوامع مختلف همواره نقش "نور و نمک" را در این جوامع داشته‌اند و جوامع مختلف را نورانی و نمکین ساخته‌اند. اما امروزه کلیسا در این ساحت و قلمرو در کجا ایستاده است؟ آیا کماکان در این زمینه نیز "نور و نمک" محسوب می‌شود؟

امروزه در غرب روابط جنسی خارج از چارچوب روابط زناشویی امری طبیعی و پذیرفته شده محسوب می‌شود و بی‌بند و باری جنسی امری متعارف و عادی است. سقط جنین در بسیاری از کشورها قانونی شده است و سالانه میلیونها سقط جنین در کشورهای مختلف صورت می‌گیرد. همجنس‌گرایی به‌عنوان شکلی پذیرفته شده و بهنجار از روابط جنسی در جوامع مختلف بیش از پیش گسترش می‌یابد و آمار طلاق روزبروز افزایش می‌یابد. بسیاری از کلیساها در چنین فرهنگی کماکان اخلاقیات جنسی‌ای مبتنی بر فرهنگ مسیحیت و بر اساس مرزبندی‌هایی که کلام خدا در این مورد ترسیم نموده است موعظه می‌کنند.

اما بسیاری از کلیساها به جای تأثیر نهادن بر جهان پیرامون، خود از جهان تأثیر گرفته‌اند و روحیه تسامح در برابر اخلاقیات جنسی حاکم، تأثیرات ناگواری بر آنان گذاشته است. در بسیاری از این کلیساها روابط جنسی قبل از ازدواج محکوم نمی‌شود و سهل‌انگاری و اغماض در مورد رفتار جنسی اعضای کلیساها، به هنجاری پذیرفته شده برای این کلیسا تبدیل می‌شود. در سالیان اخیر شاهد رسوایی‌های جنسی برخی از واعظین تلویزیونی برجسته بودیم که تأثیرات منفی و مخرب عمیقی بر ذهنیت جهانیان بر جای گذاشت. امروزه در بسیاری از کلیساها بحث‌های داغی در مورد پذیرش همجنس‌گرایی به‌عنوان شکلی خاص و بهنجار از ارضای میل جنسی در گرفته است و پدیده‌ای که پیوسته در فرهنگ مسیحیت و تاریخ کلیسا جزو گناهان مذموم و کراهت‌آور بود، امروزه می‌رود که جای پای برای خود در بسیاری از کلیساها بیابد.

امروزه در برخی از کلیساها در مورد این موضوع بحث می‌شود که آیا امکان این هست که اشخاص همجنس‌گرا وارد خدمت کشیشی بشوند؟ در برخی کلیساها نیز زوج‌های همجنس‌گرا به عقد یکدیگر در آورده می‌شوند. امروزه مسیحیان معتقد تلاشهای وسیع و گسترده‌ای در مبارزه با سقط جنین انجام می‌دهند ولی آمارهای بدست آمده نشان می‌دهند که تنها در ایالات متحده دویست و پنجاه هزار مورد از سقط جنین‌ها از سوی اشخاص یا زوج‌هایی انجام می‌گیرد که ادعا می‌کنند مسیحیان انجیلی و دارای تولد تازه هستند!

براستی کلیسای مسیح به کجا می‌رود؟ در مکاشفه یوحنا، مسیح کلیسای افسس را خطاب می‌کند که: «پس به‌خاطر آن که از کجا افتاده‌ای و توبه کن و اعمال نخست را بعمل آورد والا بزودی نزد تو می‌آیم و چراغدان ترا از مکانش نقل می‌کنم اگر توبه نکنی» (مکاشفه

۵:۲). به کلیسای ساردس نیز می‌فرماید: «اعمال تو را می‌دانم که نام داری که زنده‌ای ولی مرده هستی. بیدار شو و مابقی را که نزدیک به فنا است، استوار نما...» (مکاشفه ۳:۲ و ۳). پولس رسول نیز به مسیحیان روم می‌نویسد: «و همشکل این جهان مشوید» (رومیان ۱۲:۲). به نظر می‌رسد که امروزه در بسیاری از کلیساهای غرب، همشکل این جهان شدن خطری جدی است که بسیاری از کلیساهای در دام آن افتاده‌اند و کلیساهای به جای این که نقش خود را به عنوان نمک در جامعه گناهکار و سقوط کرده ایفا کنند و الگوی اخلاقیات جنسی مبتنی بر مکاشفه الهی در کتاب مقدس را به جهانیان ارائه نمایند، به تدریج از اخلاقیات جنسی حاکم بر جوامع پیرامون خود تأثیر گرفته و خود نیز این اخلاقیات را رواج می‌دهند.

کلیسا به عنوان بدن مسیح نمی‌تواند نقش و رسالتی متفاوت از آنچه که مسیح برای آن مقرر کرده، انجام دهد و در صورتی که چنین کند، همانند شاخه خشکیده‌ای که ثمر نمی‌آورد، از تاک حقیقی یعنی مسیح بریده شده و در آتش افکنده می‌شود. کلیسا پیوسته در اعصار گوناگون، در زمینه‌های مختلف همواره در معرض این خطر قرار داشته که همشکل جهان بشود و از آن تأثیر بپذیرد. اما هر گاه در برابر جهان مقاومت نموده است و به خداوند خود و پیامی که به او سپرده شده، وفادار مانده است، بر جهان غلبه یافته و خود بر جهان پیرامون تأثیر گذاشته است. امروزه نیز دعوت کلیسا این است که نه تنها از جهان تأثیر نپذیرد، بلکه خود بر آن تأثیر بگذارد و همواره نور و نمک جهان باشد.